



شریعتی

یک روشنفکر یادگیرنده بود

علی دوعلم: شریعتی یک روشنفکر منتقد بود و هرکسی را نقد می‌کرد. او یک روشنفکر یادگیرنده بود. در زمان پیش از انقلاب گروهی انقلابی‌رادی‌کال بودند که برخلاف بسیاری از گفته‌ها شریعتی جزء این گروه نبود، چون انقلابی‌گری او فرهنگی و عقلائی بود. به عقیده شریعتی ما احتیاج به خودسازی انقلابی داریم بنابراین شریعتی یک فرد انقلابی است منتهی انقلابی عقلی، فکری و فرهنگی.



شریعتی

اثره جدی ماست

نعمت‌ا... فاضلی: شریعتی اثره جدی ماست و به همین دلیل است که مردم با آن شوخی می‌کنند. اما شریعتی دیگری هم مطرح است که غیر شریعتی است که در دانشگاه از آن بحث می‌شود و اتفاقاً ارتباط نزدیکی با زندگی روزمره و کلاس‌ها دارد. هرچه جلوتر برویم این شریعتی هم بیشتر جلو می‌رود چرا که چیرگی جامعه امروز روی واقعیات زندگی روزمره است نه بحث‌های دانشگاهی.



سینمای مخاطب خاص یا جریان اصلی

به دنبال محملی انضمامی برای تفکر فلسفی



سیدمهدی ناظمی‌قره‌باغ پژوهشگر فلسفه

توماس وارتنبرگ یکی از پراوازه‌ترین پژوهشگران فلسفه فیلم در زمانه ماست. از مهم‌ترین آثار او، می‌گوید: «همان‌گونه که خوانندگان این ترجمه‌به‌روشنی درخواهند یافت، آشکارا ارجاعات من در این کتاب، غربی^(۱) و به‌ویژه آمریکایی است. توضیح من درباره این واقعیت، آن است که مردمانی که با آنها هم‌سخن بوده‌ام، عموماً در درون سنت فلسفه انگلیسی-آمریکایی به فعالیت می‌پرداخته‌اند. اکنون با خود

می‌گویم که ای کاش، از ابتدا به این «محدود بودن [از نظر مصادیق] توجه داده و به روشنی بیان داشته بودم که قصد آن را ندارم تا مدعی‌اتم [از نظر کلیت و شمول دعاوی] به سنت سینمایی ویژه‌ای منحصر باشد. درحقیقت سنت‌های فیلمسازی متعددی غیر از هالیوود وجود دارند که پیوند میان فیلم و فلسفه در آنها اساسی‌تر است. من این واقعیت را در مورد موج

جدید سینمای ایران نیز صادق می‌بینم.»

در متن نقل قول شده، چند نکته قابل توجه درباره فهم فلسفی از سینما وجود دارد که ما در ایران معمولاً به

آنها توجهی نداریم.

نخست اینکه وارتنبرگ اذعان دارد، از میانه آن سنت فرهنگی که به آن تعلق دارد، به تأمل درباب سینما پرداخته است. او درواقع هم‌سخنی را شرط لازمی می‌خواند که کمک کرده‌است به فهم فلسفی از سینما نائل شود. ناگفته‌پیداست که فهم فلسفی او از سینما، قبلاً فهم فلسفی او از فیلم‌های آمریکایی-انگلیسی یا حتی مطلق فهم از آن فیلم‌هاست و این همان فیلم‌هایی است که وارتنبرگ به فرهنگ آن تعلق دارد و می‌تواند در مقام هم‌سخنی و هم‌لی با آنها قرار گیرد. پس چه بسا بتوان چنین نتیجه گرفت که فهم و تفسیر لایه‌های عمیق تر سینما، زمانی بهتر میسر می‌شود که آن سینما و مفسر آن سینما دارای اشتراکاتی فرهنگی باشند که بتوان براساس آن اشتراکات، مفاهمه را

حاشیه



حسین مهدیزاده نویسنده و پژوهشگر

حدود ۹۰۰ سال‌های میرباقری به سخنرانی در دوسالانه «جایزه تعالی نیروی انسانی» که یک جایزه برای توسعه شرکت‌های صنعتی از طریق توسعه نیروی انسانی آنهاست، دعوت بود.

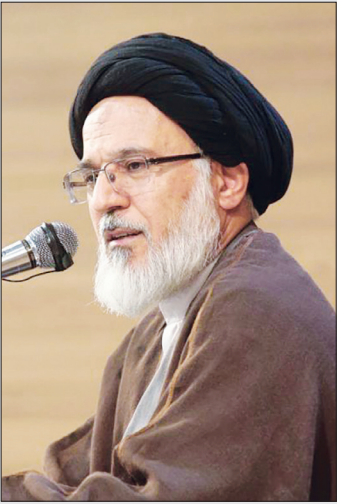
دعوت از سوی سازمان مدیریت صنعتی ایران بود، سازمانی که مرحوم سیدمنیرالدین حسینی‌الهاشمی (بنیانگذار فقید فرهنگستان) در دهه هفتاد، یک دهه مطالعاتش درباره «مدیریت توسعه صنعتی» را به کمک محققان این مرکز انجام داده بود و به همین دلیل هم فرهنگستان را می‌شناخت و هر از گاهی به آن رجوع می‌کرد.

استاد میرباقری که وارد سالن شد، سخنران اول مشغول سخنرانی بود. آقای میرباقری طبق عادت به صف اول نرفت و در سمت چپ سالن همایش در ردیف سوم یا چهارم نشست. سخنران معاون پژوهشی (یا منصبی شبیه به این) وزیر صنعت و معدن دولت دهم، دکتر شافعی بود. دکتر شافعی با اینکه اصلاح‌طلب است اما به تازگی معاون وزیر صنعت و معدن شده بود، موضوع سخنرانی‌اش هم بازخوانی آیات و روایات مربوط به تقوا بود که به نظرش می‌توانست منبعی الهام‌بخش برای مفهوم تعالی نیروی انسانی باشد. معاون وزیر در پایان سخنرانی گفت که من از علمای دین می‌خواهم که در این مساله به ما کمک کنند که ما چطور این منابع را به منابعی «موجه» برای علم مدیریت در موضوع تعالی

۱-۲

قائلان به علم دینی از منظر استاد میرباقری

داوری حکمت گراست



نیروی انسانی تبدیل کنیم، چون به نظر ایشان این دست آیات و روایات می‌توانست گنجینه بزرگی برای تعالی نیروی انسانی باشد.

سخنران سوم میرباقری بود، اما درخلال سخنرانی دوم به یک‌باره به من گفت «به نظرآن بهتر نیست به جای بحث از پیش آمده قبلی گزارشی اجمالی از جریان‌ها و رویکردهای فعال «علم دینی» در کشور بدهم؟» و همین کار را هم کرد.

میرباقری اینطور سخنرانی‌اش را شروع کرد که من از همانجایی شروع می‌کنم که دکتر شافعی تمام کرد. آقای دکتر مساله‌ای که در این سه دهه با نام «علم دینی» معروف شده است، دقیقاً بر پاسخگویی به همین دست سوالات که شما الان مطرح کردید، شکل گرفته است. سوال اصلی علم دینی این است که وقتی علم و دین از یک سخن نیستند، چطور می‌توانند در یک رابطه هم‌افزا در ساحت جامعه قرار بگیرند تا گزاره‌های علوم انسانی و اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی

ممکن خواند. بنابراین، شاید عجیب نباشد که ارجاعات بسیاری از مفسران سینما، به آن نوع سینمایی است که بیشتر متناسب با عالم (به فتح لام) آنهاست. دوم اینکه وارتنبرگ «آرزوی» خود را برای گذار از سنتی که به آن تعلق دارد به سایر سنت‌ها انکار نمی‌کند. کدام دانشمند و اندیشمندی وجود دارد که نخواهد افق فکر خود را گسترده‌تر سازد؟ بزرگ‌ترین متفکران هم همواره در تلاش برای بازاندیشی و برای گسترده‌تر کردن ابعاد جست‌وجوی خود بودند و گاهی مرتکب این گسترده‌سازی هم می‌شدند. اما صرف‌نظر از هر نتیجه‌ای، هر پژوهشگر برجسته و کارکشته‌ای می‌داند که باید بر این وسوسه غلبه کند و تا از محکم بودن گام‌های قبلی خود مطمئن نشده است، گام جدیدی برندارد. در واقع از نظر وارتنبرگ هم سینمای ایران، سینمایی است که ممکن است بتواند در آینده افق پژوهش او را گسترش دهد، اما نه وارتنبرگ و نه هیچ اندیشمند دیگری در سطح او، درباره افق‌های فکری

اندیشه شریعتی

مبارزه‌محور است

سیدجیحی پیرثری: در جامعه‌های جدید اپوزیسیون محبوبیت دارد و مرحوم شریعتی در این میان به‌عنوان یک اپوزیسیون جدی وارد میدان شد و درخشید. هرچند معتقدم نباید جامعه به دولت-اپوزیسیون تقسیم شود، بلکه باید بر اساس دولت-ملت باشد. جریانی که او مطرح کرد بیشتر مربوط به پیش از پیروزی بود و در واقع شریعتی برای بعد از پیروزی برنامه‌ای نداشت.



چندان به جریان اصلی سینما در این کشورها توجه ندارد. درواقع وقتی وارتنبرگ درباره سینما و فلسفه در غرب می‌اندیشد، از فیلم‌های سینمایی مهم جریان اصلی مانند ماتریکس، مردی که لیبرتی والانس را کشت، عصر جدید... استفاده می‌کند ولی زمانی که جویای فلسفه در سینماهای دیگر است، به سینمایی غیر از جریان اصلی توجه دارد. این امر دو علت دارد: نخست اینکه سینماهای غیرغربی در جهان، عمدتاً از جریان اصلی معرفی نشده‌اند بلکه از راه جشنواره‌ها و به شکل گزینشی و تصنعی شناخته شده‌اند. شاید این امر باعث شده است بسیاری از صاحب‌نظران غربی به‌ویژه آن دسته که پژوهشگرانی هستند هجرت کرده از علوم انسانی به سینما و نه اصحاب خود سینما، این گمان را داشته باشند که آن سینماها در آن کشورها، محوری هستند. دوم اینکه اگر در سینمای جریان اصلی برای مشخص کردن ارتباط فلسفه و سینما باید بسیار کوشید، در این نوع سینما، ازجمله سینمای روشنفکری ایران، این ارتباط به نظر واضح‌تر می‌رسد. فعلاً با این مطلب کاری نداریم که آیا این وضوح چقدر اصیل و چقدر تصنعی است. اما به‌هر حال، سینمای مخاطب خاص، سینمایی است که از ابتدا با دعاوی خاص محتوایی آغاز به کار می‌کند. در مجموع به نظر می‌رسد چنانکه قصد تفکر فلسفی درباره سینما وجود دارد، سینمای جریان اصلی بومی بهترین الگو باشد. سینمای جریان اصلی که به وساطت ژانرها و سبک‌ها همواره نوعی پیوستگی را با فرهنگ میزبان خود تجربه می‌کند، بهتر می‌تواند محملی «انضمامی» برای تفکر فلسفی باشد تا سینماهای انتزاعی و سینماهای دارای فاصله فرهنگی از خود. به همین خاطر است که وقتی به سینمای کشورهای دور سفر می‌کنیم، خود به خود کاری با جریان اصلی سینما نداریم. مثلاً در ژاپن این کوروساواست که برجستگی بین‌المللی خاصی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در همین دور بودن و دورافتادن است که ارتباط تفکر و فرهنگ دچار خدشه می‌شود و سینمای فرعی جای سینمای اصلی را اشغال می‌کند و این خود می‌تواند برای فهم بسیاری از ابعاد فلسفی سینما در آن کشور و استنتاج‌های بعدی از آن، رهنم شود.

پانویست‌ها:

۱- علائم سجاوندی کتاب در این سطر اشتباه درج شده است.

شریعتی

مدافع محرومین

حسین راغفر: شریعتی از گروه‌های محروم جامعه حمایت می‌کند و همه تلاش او در دفاع از مستضعفین است. او از سه گروه سخن می‌گوید که جامعه را استثمار می‌کنند: سرمایه‌داران، دولتمردان و شریعتمداران. الگوی زندگی شریعتی خانواده پیامبر است، بنابراین بر ارزش‌های دینی تأکید دارد و ارادت ویژه‌ای به اهل‌بیت داشته است.



گفتار روز

پرویز امینی در همایش «آنان که می‌اندیشند» مطرح کرد

اندیشه شریعتی؛ اندیشه‌ای معطوف به اعتراض، تغییر و عمل



همایش «آنان که می‌اندیشند» با محوری بررسی آرا و اندیشه‌های علی شریعتی در تالار ابن‌خلدون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست پرویز امینی، عضو هیات علمی دانشگاه شاهد با اشاره به سه رویکرد اصلی در اندیشه شریعتی گفت: «اندیشه شریعتی یکی متن‌محور، دوم محتوامحور و سوم جمع بین این دو بوده که شریعتی به لحاظ اجتماعی رویکرد سوم را داشته که جمع بین متن و محتوا بوده است. اندیشه شریعتی معطوف به سه عنصر اعتراض، تغییر و عمل بود و هر نوع قضاوت و داوری اجتماعی و سیاسی که انجام می‌داد، به نوعی در برگزیده این عناصر بود.»

امینی با بیان اینکه نظام دانایی شریعتی در نقد دو نظام مرسوم فلسفه و علم بود، اضافه کرد: «او هم به فیلسوفان می‌تاخت و هم به عالمان. شریعتی می‌گفت اگر سقراط، افلاطون و ارسطو نبودند، اتفاقی در عالم نمی‌افتاد و آنها تأثیر چندانی در تاریخ یونان نداشته‌اند و همین نظر را نسبت به مولانا هم داشت.» او معتقد بود باید به سمت کسانی برویم که بتوانند تغییر ایجاد کنند. بنابراین به بی‌طرفی علمی منتقد بود و به فلاسفه نقد داشت و امثال ابودر که مردان مبارزه و تغییر و عمل بودند را برتر از ابوعلی‌سینا و ملاصدرا می‌دانست. او به کارهایی که بتواند تغییراتی را به نفع مردم جامعه ایجاد کند، اعتقاد داشت.

این جامعه‌شناس سیاسی با بیان اینکه شریعتی اندیشه‌ای را قبول داشت که بتواند تغییرات در عمل را بی‌ریزی کند، بنابراین با اسلام راکد مخالف بود، ادامه داد: «اگر بگوییم شریعتی چه نسبتی با شرایط اجتماعی ما دارد و چرا باید اندیشه او بازخوانی شود، باید گفت موقعیت اجتماعی او به شکلی است که امروز «شریعتی‌ها» امکان بازتولید و بازسازی دارند، چون اکنون اعتراض‌ها و نیاز به تغییر در جامعه بالاست و در موقعیتی هستیم که اندیشه‌ها و گفتارهایی که بتوانند شیفت پارادایمی ایجاد کنند، امکان گشودگی در این میان را دارند و شریعتی از این موقعیت اجتماعی برخوردار است. اکنون شریعتی‌هایی که ذهنیت اجتماعی را بتوانند صورت‌بندی کنند می‌توانند این خلأ را پر کنند.»

اتفاق روز

سخنرانی ناصر فکوهی و حسین شهرستانی در دور دوم شهر گفتار



در هفته دوم از دور دوم شهرگفتار، امروز چهارشنبه ۹ اسفند، از ساعت ۱۳ تا ۱۵ ناصر فکوهی عضو هیات علمی گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران، «مکتب فرانکفورت» را مورد بحث قرار خواهد داد و سیدحسین شهرستانی پژوهشگر فلسفه و جامعه‌شناسی، ادامه متن خوانی مقاله «کلانشهر و حیات ذهنی زهمل» را ارائه خواهد کرد.

دوره آموزشی «شهرگفتار» ـ گفتارهایی پیرامون شهر و حیات شهری ـ از درپچه فلسفه و علوم انسانی، ادبیات و هنر و نیز معماری و شهرسازی، به مساله شهر و زندگی شهری و اقتصادات و پیامدهای آن می‌پردازد. تلاش این دوره بر آن است ضمن اینکه توازنی معقول میان ساخت انتزاعی و ساحت انضمامی بحث از «شهر» برقرار کند، امکان دیالوگ را میان معارف گوناگون با شهر فراهم سازد. جهت گیری کار بر این استوار است که در این دوره دانشجویان علاقه‌مند از رشته‌های متعدد علوم انسانی، هنر و معماری و شهرسازی (دانش‌های شهری) در کنار یکدیگر به نوعی هم‌سخنی و هم‌فکری و گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای نائل آیند. دوره دوم شهرگفتار از ۲۵ بهمن ماه در دانشکده علوم اجتماعی آغاز شده است.